

Research Article

A Study of the Epistemological Principles of Ghazālī and Mullā Sadrā and Their Implications to Rational Training¹

Mohammad Alaei

PhD. Student, Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran . m.alae1353@gmail.com

Saeed Beheshti

Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
beheshti@atu.ac.ir

Ahmad Salhshouri

Associate Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Ah.salahshoor@gmail.com

Abstract

The purpose of the present research is to study the epistemological principles based on the viewpoints of Abū Hāmid Muhammad Ghazālī and Mullā Sadrā and to infer their arguments in the field of rational training with emphasis on the pedagogical objectives and methods. The type of research is qualitative and its method is analytical, comparative, and inferential. The findings showed that the two thinkers have commonalities in some epistemological principles and differences in some other cases. The objectives of rational training based on their commonalities include: reason as a potential for acquiring knowledge by everyone, reason as the source of cognition, nature (the world's creatures) as the source of cognition, heart as the source of cognition, reinforcement of the outer senses (eyesight, hearing, smelling, taste, and touch), reinforcement of the inner senses (imagination), observation of the hierarchy (from simple to complex and abstract) in education and presentation of theology and science, tendency to metaconceptual (true) cognition as an objective for classroom teaching, Moreover, the differences involve the following subjects: obtaining the essence of objects and the substantiation of imagery in minds, priority of the sensual to rational knowledge, acquaintance with the history and biography of the ancestors, boosting insight, rational perfection by the aid of theology and religious instruction, unity between the knower and known, seeking assistance from the holy religion (the Qur'an, Ahādīth, and tradition), acknowledgment of the religious sources as a criterion to assess education, attempts in line with self-awareness in the process of education, .

Keywords: Epistemology, Rational Training, Ghazālī, Mullā Sadrā.

1. Received: 2021-01-28 ; Accepted: 2021-04-29.

Copyright © the authors



بررسی مبانی معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا و دلالت‌های آن بر تربیت عقلانی^۱

محمد علانی

دانشجوی دکتری، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، پردیس تحصیلات تکمیلی
خودگردان دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. m.alae1353@gmail.com

سعید بهشتی

استاد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول). beheshti@atu.ac.ir

احمد سلحشوری

دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Ah.salahshoor@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مطالعه تطبیقی بنیان‌های معرفت‌شناختی براساس دیدگاه‌های ابو حامد محمد غزالی و ملا صدرا و استنتاج مدلولات آن در حوزه تربیت عقلانی با تأکید بر هدف‌ها و روش‌های تربیتی آن است. نوع پژوهش کیفی و روش پژوهش تحلیلی، مقایسه‌ای و استنتاجی است. یافته‌ها نشان داد که این دو متفکر در پارامترهای از مبانی معرفت‌شناختی دارای نقاط اشتراک و در برخی موارد اختلاف نظر داشتند. هدف‌های تربیت عقلانی براساس نقاط اشتراک عبارت بودند از: عقل به منزله امکان کسب معرفت برای همگان، عقل به مثابه منبع شناخت، طبیعت (آفریده‌های عالم) به مثابه منبع شناخت، قلب (دل) به مثابه منبع شناخت، تقویت حواس ظاهری (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه)، تقویت حواس باطنی (خیالی)، رعایت سلسله مراتب (از ساده به پیچیده و انتزاعی) در امر آموزش و ارائه معارف و علوم، نیل به شناخت فرامفهومی (حقیقی) به مثابه هدفی از آموزش کلاسی ... همچنین نقاط افتراق شامل این موارد است: حصول ماهیت اشیاء و تحقق صور در اذهان، تقدم معارف حسّی بر معارف عقلی، آشنائی با سرگذشت و شرح حال پیشینیان، بصیرت‌افزایی، استکمال عقلی به کمک معارف و آموزه‌های دینی، ایجاد اتحاد بین عالم و معلوم، استمداد از منابع شرع مقدس (قرآن و روایات و سنت)، معیار قرار دادن منابع معارف دینی جهت محک محتوای آموزش، اهتمام در راستای معرفه النفس (خودشناسی) در روند آموزش ...

کلیدواژه‌ها: معرفت‌شناختی، تربیت عقلانی، غزالی، ملاصدرا.

۱. مقدمه

امروزه ضرورت تحول بنیادین در نظام آموزشی کشور و تدوین یک نظام تربیتی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی احساس می‌شود. طبعاً ضرورت این تحول، آن است که نظام آموزشی کشور بتواند پاسخگوی نیازهای امروز جامعه شود. از جمله مهم‌ترین این نیازها تربیت انسان‌هایی است که در همه جنبه‌های وجودی خود مانند بُعد اخلاقی، اجتماعی و مانند این‌ها به رشد و کمال رسیده باشند و این امر محقق نمی‌شود، مگر اینکه بنیاد نظام تربیتی کشور و اهداف، محتوا و روش‌های آموزشی آن بر پایه‌های محکم فلسفی - اسلامی بنیان گردد.

یکی از بحران‌های عصر حاضر، عدم شناخت کافی و عدم به کارگیری رهنمودهای الهی در زندگی است که موجب بیگانگی افراد و جدایی آن‌ها از دین شده است. دین اسلام برنامه‌های تربیتی مدون و منظمی برای سعادت انسانها معرفی کرده که فهم آن‌ها مستلزم داشتن معرفت صحیح است. تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه در حد تکافوی نیازهای معرفتی و دینی افراد عصر حاضر نیست. در اندیشه اسلامی نیز به پرورش جنبه‌های عقلانی در ساماندهی به نظام فکری یا ایدئولوژی انسان اهمیت زیادی داده شده، به گونه‌ای که از ویژگی‌های اصلی تربیت اسلامی، تکیه بر عقل و تاکید بر جنبه عقلانی است. ارسطو معتقد است، آنچه آدمی را از جانوران، متمایز می‌کند، عقل بوده و عقل بهترین راهنمای انسان است (کاردان، ۱۳۸۸، ص ۳۰). در تربیت اسلامی این باور وجود دارد که بعد عقلانی به عنوان استعدادی که در وجود آدمی به ودیعه نهاده شده است، به خودی خود شکوفا نمی‌گردد، بلکه برای پیمودن راه تکامل، نیاز به هدایت و تربیت دارد و اینجاست که تربیت عقلانی به معنی ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر انسان ضرورت پیدا می‌کند. اهمیت تربیت عقلانی تا حدی است که حتی برخی آن را، شرط توفیق تربیت در سایر جنبه‌های انسانی مانند بعد عاطفی، اخلاقی و اجتماعی و... دانسته‌اند (مرزوقی و صفری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۶).

۲. بیان مسئله

معارف تربیتی اسلام، حاوی تعابیر خودشناسی، خودسازی و سیر و سلوک در جهت قرب الهی است، و این‌ها همه، حاکی از نقش فعالانه تربیتی می‌باشد، چرا که بدون معرفت و شناخت کافی نمی‌توان به هدف تربیت اسلامی نائل آمد. از یک سو، تربیت عقلانی دربرگیرنده پرورش بُعد عقلانی است و این اصل، جزء لاینفک معرفت‌شناسی به شمار می‌آید. بدون فهم و درک صحیح از دین نمی‌توان واژه تربیت

را معنا بخشید و به آن عمل نمود، و از سوی دیگر، فهم و عمل به برنامه‌های دین به منظور کمال و سعادت انسان، نیازمند تربیت عقلانی است و بدون آن، تربیت محقق نمی‌شود. با این حال، بُعد عقلانی که به عنوان یک استعداد در وجود آدمی نهاده شده، به خودی خود شکوفا نمی‌گردد، بلکه برای پیمودن منزل سعادت و راه تکامل، نیازمند به هدایت و تربیت است.

قوة عقلانی، نقشی بسزا در تربیت و سعادت و رستگاری انسان دارد، زیرا هدف اساسی تعلیم و تربیت این است که انسان آنگونه تربیت شود و رشد کند که بتواند سرنوشت خویش را به سوی کمال، کنترل و اداره نماید، و تقویت جنبه‌های عقلانی شخصیت انسان، اساس، پایه و هدف تربیت را تشکیل می‌دهد. رشد عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و حتی تربیت دینی به طور گسترده و همگانی در سایه جنبه عقلانی شخصیت شکل می‌گیرد و در سایه تربیت و پرورش صحیح قوای عقلی، انسان می‌تواند به خودشکوفایی، خودپروری و استکمال در همه ابعاد رشد نائل آید (گوتک، ۱۳۸۰، ص ۵۵) و به گونه‌ای متعادل و خردمندانه، تمامی ابعاد رشد را با حاکمیت عقل به سمت درست زیستن هدایت کند.

تربیت عقلانی از چنان اهمیت و ضرورتی برخوردار است که کم‌تر فیلسوف و یا صاحب‌نظری را می‌توان یافت که در پی یافتن و پاسخگویی به این نیاز بشری نباشد. چنان که حتی روسوا^۱ از نمایندگان مکتب طبیعت‌گرایی، بر عقلانیت و بعد عقلانی تربیت انسان تاکید می‌کند و توانایی فرد در رساندن به مرحله تفکر و تعقل را هدف اساسی تربیت برشمرده و معتقد است هدف تربیت باید این باشد که فرد را فکور و فعال بار آورد؛ چنان‌که با افتخار درباره نتیجه تربیت خود بر امیل^۲ می‌گوید: «ما او را یک فرد فکور بار آوردیم» (عشوری، ۱۳۹۱، ص ۳).

تربیت عقلانی، به عنوان یکی از اهداف مهم و واسطه‌ای، متربی را در رسیدن به «خودفرمانی عقلانی» و در نهایت، وصول به مقام قرب الهی یاری می‌رساند و بدون آن، حرکت در مسیر رستگاری، سخت و ناممکن خواهد بود، زیرا شیطان به عنوان مهم‌ترین مانع در فرآیند تعلیم و تربیت، با ایجاد زمینه ناآرامی‌های روانی در درون انسان، مانع بروز استعدادهای آدمی خواهد شد. اینجاست که تربیت عقلانی، به معنی ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوة تفکر انسان، ضرورت پیدا می‌کند (ملکی، ۱۳۷۹، ص ۵۰۲).

یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی تربیت در راستای رساندن انسان به کمال و سعادت، شکوفاسازی

1. Rousseau.

2. Emile.

بُعد عقلانی است. تربیت عقلانی به کمال رساندن قوه عقلانی در غلبه بر هوای نفس است، چنان که امام خمینی کمال عقل را در غلبه بر هوای نفس معرفی می‌نماید (اصلائی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵). در تعریف دیگر، تربیت عقلانی تربیتی است که انسان را به تشخیص درست برساند، به گونه‌ای که بتواند مصالح و مفاسد را به خوبی تمییز دهد و خیر و صلاح را برگزیند (همان، ص ۹۴).

برخی صاحب‌نظران، تربیت عقلانی را مجموعه تدابیر و اعمالی می‌دانند که، به طور منظم و سازمان یافته، موجبات رشد و پرورش عقل را در دو جنبه نظری و عملی آن در جهت دستیابی به اهداف مطلوب فراهم می‌آورند (بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۰۸).

اهداف تربیت عقلانی مشتمل بر پرورش قوه فهم آدمی نسبت به جایگاه خود در عالم هستی، تقویت قوه تحلیل برای شناخت رابطه انسان با سایر ابعاد خلقت، هدایت عقل به سوی تقویت اسرار خلقت و نسبت آن با خالق هستی می‌باشد (ملکی، ۱۳۷۹، ص ۴۹۰). بدیهی است که در این راه هرچه جنبه‌های معنوی بیشتر تقویت شود و فضای روانی مناسب در او به وجود آید و نفس و تمایلات نفسانی، بیشتر تعدیل شود، عقل و فکر بهتر رشد می‌کند و بیشتر توسعه می‌یابد. از یک سو بدون تردید یکی از جنبه‌هایی که می‌تواند در تربیت مطلوب سایر جنبه‌های وجودی انسان نقش عمده‌ای ایفا کند و راه کسب توفیق در نیل به تربیت اخلاقی، اجتماعی و... را هموار سازد، تربیت عقلانی است و تربیت عقلانی، شالوده دیگر انواع به شمار می‌رود (ملکی و پورمحمودی، ۱۳۹۴، ص ۳۱).

در سال‌های اخیر، تحقیقات دانشگاهی و آثاری از سوی صاحب‌نظران در رابطه با تربیت عقلانی به رشته تحریر درآمده است، اما نکته قابل تأمل اینجاست که بیشتر آن‌ها متأثر از دیدگاه‌های غربی بوده و برگرفته از مکاتب فلسفی همان دیار است و ضرورت تنظیم و تدوین یک نظام تربیتی متناسب با نظام فلسفی و اعتقادی اسلامی و نیز لزوم توجه به بومی‌سازی علوم انسانی به طور اعم و فلسفه تعلیم و تربیت به طور اخص در نظام آموزشی کشور به شدت احساس می‌شود. این امر محقق نمی‌گردد، مگر با توجه و رجوع به دانش و فرهنگ اصیل اسلامی و متفکران بزرگ عرصه فلسفه و اندیشه اسلامی. البته یکی از مهم‌ترین بخش‌های فلسفه اسلامی را معرفت‌شناسی آن تشکیل می‌دهد که بنیادی‌ترین مباحث آن عبارتند از: امکان شناخت، منابع شناخت، ابزار شناخت و غیره.

به عبارت دیگر معرفت‌شناسی به طور مطلق، دانشی است که درباره تعریف معرفت، امکان معرفت، انواع معرفت، راه‌ها و ابزارهای کسب معرفت، معیار صدق معرفت، معیار توجیه و اعتبار انواع معرفت‌ها بحث می‌کند (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷۸). همه این پرسش‌ها در حوزه معرفت‌شناسی مطرح

هستند که پاسخ به آن‌ها براساس هر مکتب و جهان‌بینی می‌تواند زمینه‌تغییرات اساسی در نظام تعلیم و تربیت آن نظام را ایجاد نماید.

برای تدوین اهداف و روش‌هایی متناسب با تربیت عقلانی که قرار است در چارچوب نظام تربیتی اسلامی شکل بگیرد، گریزی نیست جز تعیین و تبیین این مبادی و بنیان‌های آن با توجه به اندیشمندان و فیلسوفان مسلمانی که در این عرصه، کر و فری از خود نشان داده‌اند.

استخراج و تبیین عقاید و دیدگاه‌های صاحب‌نظران برجسته در مورد موضوعات مهم تربیتی، امری بسیار حساس و پیچیده است. از این نظر می‌توان گفت که فهم و توضیح آراء و دیدگاه‌های اندیشمندانی برجسته، همچون ابوحامد محمد غزالی طوسی و صدرالمتهالین شیرازی درباره‌ی تعلیم و تربیت از حساسیت و پیچیدگی فراوانی برخوردار است. البته، گام نخست را، در تربیت عقلانی، تهذیب نفس معرفی می‌کند.

یکی از ضروریات تربیت عقلانی، معرفت است و شناختی که مبتنی بر حق و حقیقت باشد، رهگشای عقل در مسیر تربیت می‌باشد. لذا، شناخت ویژگی‌های معرفت، امری ضروری است که می‌توان با تکیه بر آن‌ها راهکارهای موثری را در تربیت عقلانی ارائه داد. پس، لازم است مبانی معرفت از دیدگاه معرفت‌شناسان حقیقی، که راه حق را پیموده‌اند، بررسی گردد.

پژوهش حاضر در پی آن است تا با نگاهی جامع و کلی به آثار غزالی و ملاصدرا به مبانی معرفت‌شناختی در این آثار و استنباط دلالت‌های تربیتی آن‌ها، در حوزه‌ی عقلانیت، بپردازد. بنابراین، سوالات پژوهش حاضر به این شرح است:

پرسش اصلی

میان مبانی نظام‌های معرفت‌شناختی ابوحامد محمد غزالی و صدرالمتهالین چه نقاط اشتراک و افتراقی وجود دارد و پیامدهای آن در قلمرو اهداف و روش‌های تربیت عقلانی کدام است؟

پرسش‌های فرعی

۱. مبانی نظام معرفت‌شناختی غزالی کدام است؟
۲. مبانی نظام معرفت‌شناختی ملاصدرا کدام است؟
۳. نقاط اشتراک نظام‌های معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا کدام است؟
۴. نقاط افتراق نظام‌های معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا کدام است؟
۵. پیامدهای حاصل از نقاط اشتراک در قلمرو اهداف تربیت عقلانی کدام است؟

۶. پیامدهای حاصل از نقاط افتراق در قلمرو اهداف تربیت عقلانی کدام است؟
۷. پیامدهای حاصل از نقاط اشتراک در قلمرو روش‌های تربیت عقلانی کدام است؟
۸. پیامدهای حاصل از نقاط افتراق در قلمرو روش‌های تربیت عقلانی کدام است؟

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر کیفی بوده و روش پژوهش تحلیلی، تطبیقی (مقایسه‌ای) و استنتاجی است که در سه مرحله انجام شده است:

- ۱- شناسایی و تبیین و تدوین مبانی معرفت‌شناختی در اندیشه‌های غزالی و صدرالمتألهین است،
 - ۲- مقایسه میان مولفه‌های معرفت‌شناختی این دو اندیشمند،
 - ۳- استنتاج دلالت‌های تربیتی در حوزه تربیت عقلانی، قابل توصیف است.
- بر این اساس، می‌توان برای هر مرحله، روش پژوهش خاصی در نظر گرفت. با توجه به تک‌تک هدف‌ها و سؤال‌های فرعی پژوهش، در مورد سؤالات اول و دوم، از روش تحلیلی و در مورد سؤالات سوم و چهارم، از روش تطبیقی (مقایسه‌ای) و در مورد سؤالات پنجم به بعد نیز از روش استنتاجی استفاده شد. در ادامه برای شناخت بیشتر به طور مختصر هر یک از مراحل توضیح داده می‌شود.

روش توصیفی - تحلیلی (متناسب با سؤالات ۱ و ۲):

در این پژوهش، متناسب با سؤالات شماره یک و دو، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در روش توصیفی-تحلیلی، محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونگی و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. در پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی محقق به دنبال چگونگی موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده متغیر، شیء و یا مطلب چگونه است. به عبارت دیگر، این روش، وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۵۸).

روش مقایسه‌ای (متناسب با سؤالات ۳ و ۴):

بردی^۱ در جریان مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش، چهار مرحله را مشخص کرده است (آقازاده، ۱۳۷۷، ص ۱۴۳-۱۴۵). این مراحل عبارتند از:

1. Birdy.

۱- مرحله توصیف^۱: در این مرحله، محقق به توصیف و بیان بنیان‌های دهگانه معرفت‌شناختی امام محمد غزالی و صدر المتألهین که نتیجه مطالعه منابع و کتاب‌ها و سایر آثار مربوط به این دو متفکر بوده و آماده‌سازی آنها جهت مرحله بعد پرداخت.

۲- مرحله تفسیر^۲: در این مرحله، محقق، بنیان‌های دهگانه معرفت‌شناختی مربوط به هر دو متفکر را به طور دقیق بررسی نمود.

۳- مرحله همجواری^۳: در این مرحله، محقق، اطلاعات حاصل از مراحل قبل را در ده طبقه (آیتم)، تحت عنوان بنیان‌های معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا طبقه‌بندی نموده، پهلوی هم قرار داد تا جهت مرحله بعد، یعنی مقایسه نقاط اشتراک و افتراق نظام‌های معرفت‌شناختی این دو متفکر، آماده گردد.

۴- مرحله مقایسه^۴: در این مرحله، محقق به طور دقیق و با توجه به جزئیات هر یک از نظام‌های معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا به وجوه تشابه و تفاوت هر یک از بنیان‌های معرفت‌شناختی پرداخت و مورد مقایسه قرار داد.

روش استنتاجی (متناسب با سؤالات ۵، ۶، ۷ و ۸):

در این مرحله در پاسخ به سؤالات پژوهش از روش استنتاجی، بهره گرفته شده است.

مراحل روش استنتاجی (طبق الگوی: بهشتی، ۱۳۹۶):

مرحله اول: استکشاف گزاره‌های فلسفی

در این مرحله، صرفاً به جستجو و فهم دوباره گزاره‌های فلسفی منتج از بررسی نقاط اشتراک و افتراق مبانی معرفت‌شناختی امام محمد غزالی و صدر المتألهین پرداخته شد.

مرحله دوم: نقادی گزاره‌های فلسفی

در این مرحله، نقادی گزاره‌های فلسفی به دست آمده از بررسی نقاط اشتراک و افتراق مبانی

معرفت‌شناختی امام غزالی و ملاصدرا با دو ملاک شرعی بودن (مطابقت با قرآن و سنت) و نیز عقلی بودن (صحّت و دقت استدلال‌ها) مورد توجه قرار گرفت.

مرحله سوم: پردازش گزاره‌های فلسفی

1. Description.

2. Interpretation.

3. Juxtaposition.

4. Comparison.

در این مرحله، تمام گزاره‌های فلسفی منتج از مرحله اول (گزاره‌های فلسفی منتج از بررسی نقاط اشتراک و افتراق مبانی معرفت‌شناختی امام محمد غزالی و صدرالمآلهین) در قالب یک کلان‌نظام، طبق مراحل مشروح، بازنگاری و قالب‌بندی گردید.

مرحله چهارم: استنتاج گزاره‌های تربیتی

در این مرحله، محقق به استنتاج گزاره‌های تربیتی در قلمرو اهداف و روش‌های تربیت عقلانی از گزاره‌های فلسفی (نظری یا عملی) منتج از نقاط اشتراک و افتراق مبانی معرفت‌شناختی امام غزالی و صدرا پرداخته است.

مرحله پنجم: پردازش گزاره‌های تربیتی

در این مرحله به منظور استنتاج دلالت‌های تربیت عقلانی در قلمرو اهداف و روش‌ها با توجه به نقاط اشتراک و افتراق نظام‌های معرفت‌شناختی از روش استنتاجی استفاده گردید. بنابراین، در این مرحله، گزاره‌های تربیتی مربوط به خرده‌نظام تربیت عقلانی (گام اول)، در قلمرو هدف‌ها و روش‌های تربیت عقلانی (گام دوم) و اهمیت این خرده‌نظام تربیتی، نسبت به دیگر خرده‌نظام‌های تربیتی دیگر (گام سوم)، بازنگاری شد.

۴. یافته‌های پژوهش

سؤال نخست: مبانی نظام معرفت‌شناختی ابوحامد محمد غزالی طوسی کدام است؟

پاسخ سوال فوق در قالب چندین مبنا داده شد که در قالب جدول شماره ۱ به اختصار آمده است:

جدول ۱- جدول تلخیصی مبانی معرفت‌شناختی براساس اندیشه‌های ابوحامد محمد غزالی طوسی

مبانی معرفت‌شناختی	ابوحامد محمد غزالی طوسی
مبانی در چستی معرفت	الف) معرفت حصول ماهیت اشیاء در ذهن است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۰، ص ۳۹۶). ب) معرفت به یک شیء، تحقق صورت و حقیقت آن در نفس است (غزالی، ۱۴۱۶ق/ث، ص ۷۲). ج) معرفت حسی، مقدمه معرفت عقلی است (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۵۸۰).
مبانی در چستی عقل	الف) عقل، ممیز بین انسان و بهایم است (فاخوری و خلیل، ۱۳۸۱، ص ۵۷۴-۵۷۵).

<p>ب) عقل، علوم برگرفته از تجارب جاری احوال (تاریخ گذشتگان و احوال گوناگون آنان) است (سخنور، ۱۳۸۹، ص ۶۴).</p> <p>ج) عقل، حاوی پاره‌ای از علوم ضروریه است (سخنور، ۱۳۸۹، ص ۶۴).</p> <p>د) عقل، به‌مثابه نیروی شناسنده عواقب امور است (فاخوری و خلیل، ۱۳۸۱، ص ۵۷۴-۵۷۵).</p> <p>ه) عقل، به منزله مدرک علوم (فاعل شناسایی) است (غزالی، ۱۴۱۶/الف، ص ۷۱؛ غزالی، ۱۴۱۶/ق، ر، ص ۳۱-۳۲).</p> <p>و) عقل، همان بصیرت باطن است (غزالی، ۱۴۱۶/ق، ز، ص ۲۷۱).</p> <p>ز) عقل، با بهره گرفتن از شرع از کمال برخوردار می‌شود (رفیعی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۰۳).</p>	
<p>کسب معرفت، امکان‌پذیر است (غزالی، ۱۴۰۶/ق، ج ۳، ص ۱۵).</p>	<p>مبانی در امکان کسب معرفت</p>
<p>الف) عقل، منبع شناخت است (غزالی، ۱۴۱۶/ق، الف، ص ۶۱).</p> <p>ب) دین، منبع دیگر شناخت است (محمودی بیات و شاکری زوردهی، ۱۳۹۳، ص ۶۹۱-۷۱۴).</p> <p>ج) قلب، دیگر منبع شناخت است (غزالی، ۱۴۰۶/ق، ج ۳، ص ۱۷-۱۹).</p> <p>د) اشیاء و انواع آفریده‌های جهان، منبع دیگر شناخت است (محمودی بیات و شاکری زوردهی، ۱۳۹۳، ص ۶۹۵).</p>	<p>مبانی در منابع معرفت</p>
<p>الف) معرفت حسی، یکی از انواع معرفت است.</p> <p>ب) دیگر نوع، معرفت حس مشترک است.</p> <p>ج) معرفت ذوقی (کشفی) نیز، از انواع معرفت است (بختیار نصرآبادی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱-۲۰۵).</p> <p>د) معرفت مصوره، یکی از انواع معرفت است.</p> <p>ه) معرفت وهمیه، یکی دیگر از انواع معرفت است (غزالی، ۱۴۱۶/ق، ب، ص ۲۵؛ ۱۴۱۶/ق، ت، ص ۴۶).</p>	<p>مبانی در انواع معرفت</p>

<p>و) معرفت ذاکره، یکی دیگر از انواع معرفت است (غزالی، ۱۴۱۶ق/پ، ص ۳۵۶).</p> <p>ز) معرفت تخیلی، یکی دیگر از انواع معرفت است (غزالی، ۱۴۱۶ق/پ، ص ۳۵۷).</p> <p>ح) معرفت عقلانی، نوع دیگر از انواع معرفت است (بختیار نصرآبادی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱-۲۰۵).</p> <p>ط) معرفت وحیانی (معرفت دینی)، یکی دیگر از انواع معرفت است (محمودی بیات و شاکری زوردهی، ۱۳۹۳، ص ۶۹۱-۷۱۴).</p> <p>ی) معرفت و رای عقلانی نیز، از انواع معرفت است (غزالی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۳۹).</p> <p>ک) معرفت مستفاد از تجربه‌های جاری هم، نوع دیگری از انواع معرفت است.</p>	
	<p>الف) مرتبه نخست، شک است.</p> <p>ب) مرتبه دوم، گمان است.</p> <p>ج) مرتبه سوم، اعتقاد است.</p> <p>د) مرتبه چهارم، شناخت حقیقی است (بهارنژاد، ۱۳۸۵).</p>
<p>الف) روش نخست، با یاری معلم (تحصیل و آموزش از برون) انجام می‌پذیرد (غزالی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۰).</p> <p>ب) روش دوم، راه آموزش ربانی (تحصیل و آموزش از راه تفکر درونی) است (بختیار نصرآبادی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱-۲۰۵).</p>	<p>مبانی در روش‌های کسب معرفت</p>
<p>الف) عدم آمادگی کامل فرد (اعم از جسمانی و روانی) برای پذیرش حقایق است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۲-۱۸۳).</p> <p>ب) افراط در انجام عبادات بدون تفکر و تأمل است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۳).</p> <p>ج) تقلید کورکورانه و پیروی از اندیشه غلط پیشینیان است.</p> <p>د) افراط در ارضای شهوات، دنیادوستی و تن دادن به خواسته‌های</p>	<p>مبانی در موانع معرفت</p>

پست نفسانی است (خندق آبادی و اسلامی اردکانی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۹). (ه) آلوده شدن نفس به گناهان است (شمس‌الدینی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳). (و) جهل به مقدمات علم مورد نظر است (غزالی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۶). (الف) غزالی قائل به نظریه تطابق است (غزالی، ۱۴۱۶ق/ث، ص ۴۷).	مبانی در مناط صدق معرفت
(الف) تقرب به خداوند و گذر از معرفت عقلانی به معرفت وحیانی است (غزالی، ۱۴۱۶ق/ب، ص ۲۶۴).	مبانی در غایت معرفت

سوال دوم: مبانی نظام معرفت‌شناختی ملاصدرا کدام است؟
پاسخ سوال فوق نیز، در قالب چندین مبنا داده شده که در قالب جدول شماره ۲ به اختصار بیان گردیده است:

جدول ۲- جدول تلخیصی مبانی معرفت‌شناختی براساس اندیشه‌های صدرالدین شیرازی

مختصات معرفت‌شناختی	صدرالدین شیرازی
مبانی در چیستی معرفت	(الف) علم از سنخ وجود است، لذا قابل تعریف نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۳۰۸).
مبانی در چیستی عقل	(الف) عقل، ذومراتب است (شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۳۰۲). (ب) عقل، مرتبه‌ای از حقیقت وجود انسان است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۹). (ج) عقل، به‌مثابه قوه تجریدکننده صور کلی و مفاهیم عالی است (شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۳۰۹). (د) عقل، بالاترین مرتبه وجود آدمی است.
مبانی در امکان کسب معرفت	امکان کسب معرفت برای انسان وجود دارد (وفاییان، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲-۱۳۴).
مبانی در منابع معرفت	(الف) وجود، یکی از منابع شناخت است (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۴۳۹-۴۴۰). (ب) عالم طبیعت، از منابع شناخت است (خسروپناه و مومنی، ۱۳۹۸،

<p>ص ۹).</p> <p>ج) عقل، منبع دیگر شناخت است.</p> <p>د) قلب (دل) نیز، منبع شناخت است.</p> <p>ه) نفس، سرچشمه شناخت است (شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۲۶۴ - ۲۶۵).</p>	
<p>در یک دسته‌بندی کلی، علوم به دو گونه «انسانی» و «الهی» تقسیم می‌شوند:</p> <p>- علوم انسانی خود مشتمل بر انواع زیر است:</p> <p>الف) علوم حصولی که خود مشتمل بر سه نوع ادراک است: شناخت حسی (حس ظاهر، حس باطن)، شناخت خیالی، شناخت عقلانی.</p> <p>ب) علوم حضوری، شامل: علم علت به معلولش، علم معلول به علتش.</p> <p>ج) علوم اجتماعی، شامل:</p> <p>۱. با واسطه (آموزش رسمی و تفکر)</p> <p>۲. بدون واسطه (تعلیم ربانی)</p> <p>- علوم الهی (مکاشفه‌ای) است که خود مشتمل بر انواع زیر است:</p> <p>الف) شناخت‌ظنی</p> <p>ب) یقین برهانی (علم الیقین)</p> <p>ج) یقین مبتنی بر مشاهده حضوری (عین الیقین)</p> <p>د) یقین حاصل از اتصال وجودی (حق الیقین) (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۴۲۸-۴۲۹).</p>	<p>مبانی در انواع معرفت</p>
<p>الف) معرفت حسّی (در حیطة وجودات مادی و طبیعی) (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۴۴۰).</p> <p>ب) معرفت خیالی (وفاییان، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲-۱۳۴).</p> <p>ج) معرفت عقلی و برهانی (در حیطة مفاهیم و امور کلی) (حقیقت و صادقیان، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱-۱۸۲).</p>	<p>مبانی در مراتب معرفت</p>

<p>(د) معرفت فرامفهوم‌ی و قلبی (ترکاشوند و توازیانی، ۱۳۹۳، ص ۴۰).</p>	
<p>الف) راه آموزش‌های رسمی و صوری است. ب) راه تفکر است. ج) راه تعلیم ربانی است (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۴۳۰).</p>	<p>مبانی در روش‌های کسب معرفت</p>
<p>الف) تعصبات و تقلید کورکورانه است (شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۳۸). ب) جهل به معرفت نفس است (ترکاشوند و توازیانی، ۱۳۹۳، ص ۴۳-۴۴). ج) حبّ جاه و مال و میل افراطی به شهوات و سایر تمتعات است (شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۲۴). د) تسویلات نفس اماره و تدلیسات شیطان است (همان، ص ۳۰). ه) بی‌اعتنائی به عقل خویش است (همان، ص ۹۲). و) عدم بهره‌گیری از قرآن و سنت است (همان، ص ۵۲). ز) مخالفت و مجالست با اربابان قدرت است (همان ص ۸۰). ح) متابعت از جاهلان عالم نما و مدعیان شیناد است (یا به تعبیر صدرای آن کسانی که گرفتار توهم ابدال و اوتادی هستند) (همان، ص ۳۰).</p>	<p>مبانی در موانع معرفت</p>
<p>الف) ملاصدرا نیز، قائل به نظریه تطابق است: مطابقت وجود خارجی «عینی» یا همان واقعیت با وجود ذهنی (علم)، انطباق صورت اشیای خارجی در ذهن، نبود واسطه بین عدم و وجود، تحقق اعیان (موجودات خارجی) به صورت وجود ذهنی و حقیقی بودن اشیاء و وجودات خارجی است (معلمی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳-۱۵۴).</p>	<p>مبانی در مناط صدق معرفت</p>
<p>الف) ارتباط با عالم ملکوت و مقربین درگاه الهی است (میرباقری و صفری کندسری، ۱۳۸۷، ص ۱۷). ب) عروج به عالم عقل و مرتبه عقلانی است (غفاری قره باغ، ۱۳۹۴، ص ۱۰۸). ج) یکی شدن عقل مستفاد با عقل فعال است.</p>	<p>مبانی در غایت معرفت</p>

جدول ۳- جدول تطبیقی مبانی معرفت‌شناختی براساس اندیشه‌های ابوحامد محمد غزالی طوسی

و صدرالدین شیرازی

صدرالدین شیرازی	ابوحامد محمد غزالی طوسی	مختصات معرفت‌شناختی
الف) علم از سنخ وجود است، لذا قابل تعریف نیست.	الف) معرفت، حصول ماهیت اشیاء در ذهن است. ب) معرفت به یک شیء، تحقق صورت و حقیقت آن در نفس است. ج) معرفت حسی، مقدمه معرفت عقلی است.	مبانی در چیستی معرفت
الف) عقل، ذو مراتب است. ب) عقل، مرتبه‌ای از حقیقت وجود انسان است. ج) عقل به مثابه قوه تجرید کننده صور کلی و مفاهیم عالی است. د) عقل، بالاترین مرتبه وجود آدمی است.	الف) عقل، ممیز بین انسان و بهایم است. ب) عقل، علوم برگرفته از تجارب جاری احوال (تاریخ گذشتگان و احوال گوناگون آنان) است. ج) عقل، پاره‌ای از علوم ضروریه است. د) عقل به مثابه نیروی شناسنده عواقب امور است. ه) عقل به منزله مدرک علوم (فاعل شناسایی) است. و) عقل، همان بصیرت باطن است. ز) عقل با شرع کامل است.	مبانی در چیستی عقل

<p>امکان کسب معرفت برای انسان وجود دارد.</p>	<p>کسب معرفت، امکان‌پذیر است.</p>	<p>مبانی در امکان کسب معرفت</p>
<p>الف) وجود، یکی از منابع شناخت است. ب) عالم طبیعت، از منابع شناخت است. ج) عقل، منبع دیگر شناخت است. د) قلب (دل) نیز، منبع شناخت است. ه) نفس، سرچشمه شناخت است.</p>	<p>الف) عقل، منبع شناخت است. ب) دین، منبع دیگر شناخت است. ج) قلب، دیگر منبع شناخت است. د) اشیاء و انواع آفریده‌های جهان، منبع دیگر شناخت است.</p>	<p>مبانی در منابع معرفت</p>
<p>در یک دسته‌بندی کلی، علوم به انسانی و الهی تقسیم می‌شوند: - علوم انسانی است که خود مشتمل بر گونه‌های زیر است: الف) علوم حصولی، شامل: سه نوع ادراک است: شناخت حسی (حس ظاهر، حس باطن)، شناخت خیالی، شناخت عقلانی. ب) علوم حضوری، شامل: ۱. علم علت به معلولش، ۲. علم معلول به علتش. ج) علوم اجتماعی، شامل: ۱. با واسطه (آموزش رسمی و تفکر) ۲. بدون واسطه (تعلیم ربانی)</p>	<p>الف) معرفت حسی، یکی از انواع معرفت است. ب) دیگر نوع معرفت، حس مشترک است. ج) معرفت ذوقی (کشفی) نیز از انواع معرفت است. د) معرفت مصوره، یکی از انواع معرفت است. ه) معرفت وهمیه، یکی دیگر از انواع معرفت است. و) معرفت ذاکره، یکی دیگر از انواع معرفت است. ز) معرفت تخیلی، یکی دیگر از انواع معرفت است. ح) معرفت عقلانی، نوع دیگر از</p>	<p>مبانی در انواع معرفت</p>

<p>- علوم الهی (مکاشفه‌ای) مشتمل بر: الف) شناخت‌ظنی ب) یقین برهانی (علم الیقین) ج) یقین، مبتنی بر مشاهده حضوری (عین الیقین) د) یقین، حاصل از اتصال وجودی (حق الیقین).</p>	<p>انواع معرفت است. ط) معرفت وحیانی (معرفت دینی)، یکی دیگر از انواع معرفت است. ی) معرفت و رای عقلانی نیز از انواع معرفت است. ک) معرفت مستفاد از تجربه‌های جاری هم، نوع دیگری از انواع معرفت است.</p>	
<p>الف) معرفت حسی (در حیطة وجودات مادی و طبیعی) ب) معرفت خیالی ج) معرفت عقلی و برهانی (در حیطة مفاهیم و امور کلی) د) معرفت فرامفهومی و قلبی</p>	<p>الف) مرتبه نخست، شک است. ب) مرتبه دوم، گمان است. ج) مرتبه سوم، اعتقاد است. د) مرتبه چهارم، شناخت حقیقی است.</p>	<p>مبانی در مراتب معرفت</p>
<p>الف) راه آموزش‌های رسمی و صوری است. ب) راه تفکر است. ج) راه تعلیم ربانی است.</p>	<p>الف) روشی که با یاری معلم (تحصیل و آموزش از برون) انجام می‌پذیرد. ب) روش دوم، راه آموزش ربانی (تحصیل و آموزش از راه تفکر درونی) است.</p>	<p>مبانی در روش‌های کسب معرفت</p>
<p>الف) تعصبات و تقلید کورکورانه است. ب) جهل به معرفت نفس است. ج) حَبّ جاه، مال و میل افراطی به شهوات و سایر تمتعات است.</p>	<p>الف) عدم آمادگی کامل فرد (اعم از جسمانی و روانی) برای پذیرش حقایق است. ب) افراط در انجام عبادات بدون تفکر و تأمل است.</p>	<p>مبانی در موانع معرفت</p>

<p>د) تسویلات نفس اماره و تدلیسات شیطان است.</p> <p>ه) بی‌اعتنایی به عقل خویش است. (و) عدم بهره‌گیری از قرآن و سنت است.</p> <p>ز) مخالفت و مجالست با اربابان قدرت است.</p> <p>ح) متابعت از جاهلان عالم‌نما و مدعیان شیاد است. (یا به تعبیر صدرا، آن کسانی که گرفتار توهم ابدال و اوتادی هستند).</p>	<p>ج) تقلید کورکورانه و پیروی از اندیشه غلط پیشینیان است.</p> <p>د) افراط در ارضاء شهوات، دنیادوستی و تن دادن به خواسته‌های پست نفسانی است.</p> <p>ه) آلوده شدن نفس به گناهان است.</p> <p>و) جهل به مقدمات علم مورد نظر است.</p>	
<p>الف) ملاصدرا نیز قائل به نظریه تطابق است:</p> <p>مطابقت وجود خارجی «عینی» یا همان واقعیت، با وجود ذهنی (علم)، انطباق صورت اشیای خارجی در ذهن، نبود واسطه بین عدم و وجود، تحقق اعیان (موجودات خارجی) به صورت وجود ذهنی و حقیقی بودن اشیاء و وجودات خارجی است.</p>	<p>الف) غزالی قائل به نظریه تطابق است.</p>	<p>مبانی در مناط صدق معرفت</p>
<p>الف) ارتباط با عالم ملکوت و مقربین درگاه الهی است.</p> <p>ب) عروج به عالم عقل و مرتبه عقلانی است.</p> <p>ج) یکی شدن عقل، مستفاد با عقل</p>	<p>الف) تقرب به خداوند و گذر از معرفت عقلانی به معرفت وحیانی است.</p>	<p>مبانی در غایت معرفت</p>

فعال است.

سوال سوم: نقاط اشتراک نظام‌های معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا کدام است؟
از مقایسه نقاط اشتراک نظرات غزالی و صدرالمتهلین در مبانی معرفت‌شناختی، اهم موارد، استخراج
و به شرح ذیل و در قالب جدول شماره ۴ آمده است:

جدول ۴- جدول تلخیصی نقاط اشتراک مبانی معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا

مبانی معرفت‌شناختی	نقاط اشتراک مبانی معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا
مبانی در چپستی معرفت	نقطه اشتراکی مشاهده نمی‌گردد.
مبانی در چپستی عقل	در یک مورد اشتراک نظر مشاهده گردید (عقل به منزله مدرک علوم و تجریدکننده مفاهیم).
مبانی در امکان کسب معرفت	در این مبنا کاملاً اشتراک نظر مشاهده گردید و هر دو، امکان کسب معرفت برای انسان را میسر می‌دانند.
مبانی در منابع معرفت	در سه مورد (اشیاء «اعیان خارجی، آفریده‌های عالم» و همچنین عقل و قلب «دل» به مثابه منبعی از شناخت) اشتراک نظر مشاهده گردید.
مبانی در انواع معرفت	در این قسمت، هر دو متفکر به گونه‌ای هم‌سو به دسته‌بندی علوم از حیث حصولی (تحصیلی) و حضوری (تحضیری) اشاره نموده‌اند. هر دوی ایشان قائل به معارف حسی، خیالی، عقلانی و کشفی (مکاشفه‌ای) هستند. بنابراین، از این حیث، اشتراک دیدگاه، بین ایشان مشاهده گردید.
مبانی در مراتب معرفت	در این مبنا، نقطه اشتراک چندانی وجود ندارد. الا مرتبه چهارم، بدین معنا که شناخت حقیقی از نظر غزالی را با مرتبه معرفت فرامفهوم و قلبی از دیدگاه صدرالمتهلین می‌توان برابر و معادل در نظر گرفت.

مبانی در روش‌های کسب معرفت	در مسئله روش‌های اکتساب معرفت نیز، در مواردی میان این دو اندیشمند، اشتراک نظر مشاهده گردید. هر دوی ایشان قائل به کسب علم از طریق آموزش‌های رسمی (با یاری معلم) و نیز، راه آموزش ربانی می‌باشند.
مبانی در موانع معرفت	در مورد موانع شناخت از منظر این دو اندیشمند در پاره‌ای موارد، اشتراک نظر مشاهده گردید. به عنوان نمونه، هر دو متفکر، تقلید کورکورانه و تعصبات غلط پیشینیان، دنیاپرستی و افراط در ارضاء تمایلات دنیوی و آلوده شدن نفس به تدلیسات شیطان را از موانع شناخت معرفی نموده‌اند.
مبانی در مناط صدق معرفت	در مورد مسئله مناط صدق معرفت و نظریه تطابق، هم غزالی و هم صدرا در این بخش، کاملاً اشتراک نظر داشته و هر دو به نظریه تطابق، پایبند بوده‌اند.
مبانی در غایت معرفت	در خصوص این مبنا نیز، تشابه بین دیدگاه غزالی و صدرا تا حدی مشهود است، چنان‌که هر دو اندیشمند، به عروج به عالم عقل و نیل به معرفت و حیانی و نیز تقرب به درگاه الهی و اتصال با عالم ملکوت اعتقاد دارند.

سؤال چهارم: نقاط افتراق نظام‌های معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا کدام است؟
از مقایسه نقاط افتراق نظرات غزالی و صدرالمتمثلین در مبانی معرفت‌شناختی، اهم موارد، استخراج و به شرح ذیل و در قالب جدول شماره ۵ آمده است:

جدول ۵- جدول تلخیصی نقاط افتراق مبانی معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا

مبانی معرفت شناختی	نقاط افتراق مبانی معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا
مبانی در چیستی معرفت	در این مبنا، میان نظرات غزالی و ملاصدرا درباره ماهیت معرفت، اختلاف نظر به چشم خورد.
مبانی در چیستی عقل	در خصوص این مبنا، اختلاف نظر بین این دو متفکر وجود دارد. صدرا عقل را ذومراتب و مرتبه‌ای از حقیقت وجود دانسته، در صورتی که غزالی به این امر قائل نیست. همچنین غزالی، عقل را ناقص می‌داند و بر این باور است که شرع، نقص آن را کامل می‌کند.

<p>در این مبنا، هیچ‌گونه اختلاف دیدگاهی بین دو متفکر مشاهده نگردید.</p>	<p>مبانی در امکان کسب معرفت</p>
<p>از دیدگاه غزالی، شرع (دین) به عنوان یکی از منابع شناخت معرفتی گردید. حال آنکه در عوض، ملاصدرا از نفس آدمی در کنار سایر منابع، نام می‌برد. این، بدان معنی است که بین ایشان در زمینه منابع معرفتی تا حدودی اختلاف نظر وجود دارد.</p>	<p>مبانی در منابع معرفت</p>
<p>همانگونه که مشاهده گردید در این مبنا، اختلاف نظر، قابل توجه است، زیرا غزالی به معارفی اشاره می‌نماید که ملاصدرا به آن‌ها چندان توجهی نشان نداده است یا اینکه اصلاً آن را قبول ندارد (به عنوان نمونه معرفت وهمی یا همان وهمیه). همچنین غزالی از معرفت ذاکره، مصوره و مستفاد از تجارب جاری و احوال گوناگون یاد می‌کند که در نظام معرفت‌شناختی صدرا به این قسم معارف، اشاره‌ای نرفته است.</p>	<p>مبانی در انواع معرفت</p>
<p>همان‌طور که مشاهده شد، میان مراتب معرفت، اختلاف دیدگاه وجود دارد.</p>	<p>مبانی در مراتب معرفت</p>
<p>در این مبنا نیز، اختلاف دیدگاه چندانی بین دو متفکر مشاهده نگردید، صدرا تفکر را نیز به عنوان یک راه کسب معرفت معرفی می‌نماید، در حالی که غزالی، قائل بدان نمی‌باشد.</p>	<p>مبانی در روش‌های کسب معرفت</p>
<p>نظرات این دو متفکر در این باب، چندان مشابه نمی‌باشد و در پاره‌ای موارد اختلاف نظر دارند. چنان‌که غزالی، مواردی همچون عدم آمادگی جسمانی و روانی، افراط در انجام اعمال عبادی و جهل به مقدمات علم مورد نظر را از جمله موانع شناخت معرفتی می‌نماید؛ در صورتی که صدرالمتألهین از موانع دیگری مانند جهل به معرفه النفس، بی‌اعتنایی به عقل خویش، مخالفت با اربابان قدرت، عدم بهره‌گیری از قرآن، سنت و توهّم ابدال و او تادی یاد می‌کند.</p>	<p>مبانی در موانع معرفت</p>

در باب مناط صدق، هیچ‌گونه اختلاف‌نظری بین ایشان مشاهده نگردید.	مبانی در مناط صدق معرفت
در مورد این مبنا، تفاوت چندانی بین دو دیدگاه مشاهده نگردید. تنها در یک مورد و آن هم یکی شدن عقل مستفاد با عقل فعال از دیدگاه صدرا می‌باشد که به عنوان غایت معرفت معرفی گردید.	مبانی در غایت معرفت

اهداف تربیت عقلانی در واقع همان گزاره‌های تجویزی هستند که جهت اصول را مشخص می‌نمایند. در حقیقت اهداف گزاره‌های تجویزی برآمده از بنیانهای معرفت‌شناختی است و اصول نیز بر مبنای همان گزاره‌های توصیفی و تجویزی و روشها نیز بر مبنای اصول، استنتاج گردیده است. اگرچه این عناصر و اجزاء (اهداف و روشهای تربیت عقلانی) از حیث کاربرد با هم متفاوت هستند و هر کدام رسالت خاصی را در فرایندهای تربیتی ایفا می‌نمایند، وجود سنخیتها و ارتباطات‌شان غیر قابل انکار است (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۶/ الف، ص ۳۴).

حال با ذکر این مقدمه به ادامه بررسی پاسخ سؤالات پژوهش می‌پردازیم.

سوال پنجم: پیامدهای حاصل از نقاط اشتراک در قلمرو هدف‌های تربیت عقلانی کدام است؟
رویه استخراج هدف‌های تربیت عقلانی براساس نقاط اشتراک مبانی معرفت‌شناختی غزالی و صدرا به شرح ذیل است:

گزاره توصیفی «نقاط اشتراک مبانی معرفت‌شناختی»

گزاره تجویزی «هدف تربیت عقلانی»

جدول ۶- هدف‌های تربیت عقلانی براساس نقاط اشتراک مبانی معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا

مختصات معرفت‌شناختی	نکات اشتراک (گزاره‌های توصیفی)	مدلولات تربیتی (گزاره‌های تجویزی)
در چستی معرفت	نقطه اشتراکی مشاهده نگردید.	-
در چستی عقل	در یک مورد، اشتراک نظر مشاهده گردید (عقل به منزله مُدرک علوم و تجریدکننده مفاهیم است).	عقل به منزله مُدرک علوم و تجریدکننده مفاهیم

امکان کسب معرفت برای همگان	هر دو، امکان کسب معرفت برای انسان را میسر می‌دانند.	در امکان کسب معرفت
الف) عقل به‌مثابه منبع شناخت ب) طبیعت «آفریده‌های عالم» به‌مثابه منبع شناخت ج) قلب «دل» به‌مثابه منبع شناخت	در سه مورد (اشیاء «اعیان خارجی»، آفریده‌های عالم» و همچنین عقل و قلب «دل» به‌مثابه منبعی از شناخت)، اشتراک نظر مشاهده گردید.	در منابع معرفت
الف) تقویت حواس ظاهری (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه) ب) تقویت حواس باطنی (خیالی)، ج) عدم تکیه صرف بر عالم عین و توجه به سایر علوم (شهودی و ذوقی).	در این قسمت، هر دو متفکر به گونه‌ای هم‌سو به دسته‌بندی علوم از حیث حصولی (تحصیلی) و حضوری (تحضیری) اشاره نموده‌اند. هر دوی ایشان قائل به معارف حسی، خیالی، عقلانی و کشفی (مکاشفه‌ای) هستند.	در انواع معرفت
الف) رعایت سلسله مراتب (از ساده به پیچیده و انتزاعی) در امر آموزش و ارائه معارف و علوم ب) نیل به شناخت فرامفهومی (حقیقی) به مثابه هدفی از آموزش کلاسی	در این مبنا، نقطه اشتراک چندانی وجود ندارد. الا مرتبه چهارم، بدین معنا که شناخت حقیقی از نظر غزالی را با مرتبه معرفت فرامفهومی و قلبی از دیدگاه صدرالمتألهین می‌توان برابر و معادل در نظر گرفت.	در مراتب معرفت
الف) نقش الگویی معلم ب) ارتقای شأن و منزلت مربی نزد متری ج) تأمل درونی و تفکر از اعماق وجود، راهی برای کسب برخی	الف) روش نخست که با یاری معلم (تحصیل و آموزش از برون) انجام می‌پذیرد. ب) روش دوم، راه آموزش ربانی (تحصیل و آموزش از راه تفکر	در روش‌های کسب معرفت

از علوم (د) خودشناسی و خودآگاهی	درونی) است. در مسئله روش‌های اکتساب معرفت میان این دو اندیشمند، کاملاً همسویی و اشتراک نظر مشاهده گردید.	
الف) پرهیز از تقلید کورکورانه و تعصبات بیجا ب) خودداری از تن دادن به تمایلات پست و حیوانی ج) خودسازی و تزکیه در جریان تحصیل	هر دو متفکر، تقلید کورکورانه و تعصبات غلط پیشینیان، دنیاپرستی و افراط در ارضاء تمایلات دنیوی و آلوده شدن نفس به تدلیسات شیطان را از موانع شناخت معرفی نموده‌اند.	در موانع معرفت
الف) منطبق بودن علوم با واقعیات ب) تعیین صحّت فرضیات علمی به وسیله آزمایش	در مورد مسئله مناط صدق معرفت، هم غزالی و هم صدرا در این اشتراک نظر داشته و هر دو به نظریه تطابق، پایبند بوده‌اند.	در مناط صدق معرفت
الف) رسیدن از معرفت عقلانی به معرفت وحیانی ب) عروج نفس به عالم عقل ملکوت اعتقاد دارند.	هر دو اندیشمند، به عروج به عالم عقل و نیل به معرفت وحیانی و نیز تقرب به درگاه الهی و اتصال با عالم	در غایت معرفت

سؤال ششم: پیامدهای حاصل از نقاط افتراق در قلمرو هدف‌های تربیت عقلانی کدام است؟
رویه استخراج هدف‌های تربیت عقلانی براساس نقاط افتراق مبانی معرفت‌شناختی غزالی و صدرا به
شرح ذیل است:

- گزاره توصیفی «نقاط افتراق مبانی معرفت‌شناختی»
- گزاره تجویزی «هدف تربیت عقلانی»

جدول ۷- هدف‌های تربیت عقلانی براساس نقاط افتراق مبانی معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا

مختصات معرفت‌شناختی	نکات افتراق (گزاره‌های توصیفی)	مدلولات تربیتی (گزاره‌های تجویزی)
---------------------	-----------------------------------	--------------------------------------

<p>الف) حصول ماهیت اشیاء و تحقق صور در اذهان</p> <p>ب) ایجاد معلوم در ذهن</p> <p>ج) تقدم معارف حسی بر معارف عقلی</p> <p>د) ایجاد اتحاد عالم و وجود</p>	<p>الف) معرفت، حصول ماهیت اشیاء در ذهن است.</p> <p>ب) معرفت حسی، مقدمه معرفت عقلی است.</p> <p>ج) علم از سنخ وجود است.</p>	<p>در چیستی معرفت</p>
<p>الف) آشنایی با سرگذشت و شرح حال پیشینیان</p> <p>ب) استعلای عقلی به مدد آموزش علوم ضروری</p> <p>ج) بصیرت‌افزایی</p> <p>د) استکمال عقلی به کمک معارف و آموزه‌های دینی</p> <p>ه) اتحاد نفس با صور عقلی</p> <p>و) رعایت سلسله مراتب و استدراج در ارائه معارف برای رشد قوای عقلانی</p> <p>ز) ایجاد اتحاد بین عالم و معلوم</p>	<p>الف) عقل، ممیز بین انسان و بهایم است. ب) عقل، علوم برگرفته از تجارب جاری احوال (تاریخ گذشتگان و احوال گوناگون آنان) است. ج) عقل، پاره‌ای از علوم ضروریه است. د) عقل، به مثابه نیروی شناسنده عواقب امور است. ه) عقل، همان بصیرت باطن است. و) عقل با شرع، کامل است. ز) عقل، ذومراتب است. ح) عقل، مرتبه‌ای از حقیقت وجود انسان است.</p>	<p>در چیستی عقل</p>
<p>-</p>	<p>در این مبنا، هیچ‌گونه اختلاف دیدگاهی بین دو متفکر مشاهده نگردید.</p>	<p>در امکان کسب معرفت</p>
<p>الف) استمداد از منابع شرع مقدس (قرآن، روایات و سنت)</p> <p>ب) معیار قرار دادن منابع معارف دینی، جهت محک محتوای آموزش</p> <p>ج) اهتمام در راستای معرفه النفس</p>	<p>الف) شرع از منابع شناخت به شمار می‌آید.</p> <p>ب) نفس آدمی از منابع معرفت است.</p>	<p>در منابع معرفت</p>

(خودشناسی) در روند آموزش		
<p>(الف) تقویت نقش حواس باطنی (معرفت وهمیه، ذاکره و مصوره)</p> <p>(ب) ارتقاء بخشیدن به جایگاه دروسی مانند تاریخ و ادبیات در برنامه آموزشی</p>	<p>غزالی به معارفی اشاره می‌نماید که ملاصدرا به آن‌ها چندان توجهی نشان نداده است و یا اینکه اصلاً آن را قبول ندارد (به عنوان نمونه معرفت وهمی یا همان وهمیه). همچنین وی از معرفت ذاکره، مصوره و مستفاد از تجارب جاری و احوال گوناگون یاد می‌کند که در نظام معرفت‌شناختی صدرا به این قسم معارف، اشاره‌ای نرفته است.</p>	در انواع معرفت
<p>(الف) رعایت مراتب شناخت در امر آموزش</p> <p>(ب) اهمیت شک و تردید در نخستین گام‌های تدریس</p> <p>(ج) آزمون گمان‌ها</p> <p>(د) رعایت روند آموزش از محسوسات و اعیان به ادراکات عقلی و برهانی</p>	<p>غزالی: الف) مرتبه نخست، شک؛ ب) مرتبه دوم، گمان؛ ج) مرتبه سوم، اعتقاد. صدرا: الف) معرفت حسی (در حیطة وجودات مادی و طبیعی)، ب) معرفت خیالی، ج) معرفت عقلی و برهانی (در حیطة مفاهیم و امور کلی).</p>	در مراتب معرفت
<p>(الف) اعتلای پیاپی توانایی و وسعت ذهنی در جریان آموزش</p> <p>(ب) ارتقای قوه تفکر</p>	<p>صدرا تفکر را نیز به عنوان یک راه کسب معرفت معرفی می‌نماید که غزالی قائل بدان نمی‌باشد.</p>	در روش‌های کسب معرفت
<p>(الف) مد نظر داشتن آمادگی‌های جسمانی و روانی در روند آموزش</p> <p>(ب) عدم افراط و اجبار به انجام اعمال عبادی</p>	<p>- عدم آمادگی جسمانی و روانی - افراط در انجام اعمال عبادی - جهل به مقدمات علم مورد نظر - جهل به معرفه النفس</p>	در موانع معرفت

<p>(ج) رعایت پیش‌نیازها و مقدمات در آموزش علوم گوناگون</p> <p>(د) لحاظ کردن درس روانشناسی به عنوان درس مشترک در همه رشته‌ها</p> <p>(ه) تأکید پیاپی بر محتوای عقل‌گرایانه در فرایند آموزش و برنامه‌ریزی درسی</p> <p>(و) عدم مخالفت و مجالست با حلقه‌های قدرت و فساد</p> <p>(ز) دادن آگاهی به متریان، از افتادن آنان در دام مدعیان شیاد و دروغگو (الگوهای فاسد و فریبکار)</p>	<p>- بی‌اعتنایی به عقل خویش</p> <p>- مخالفت با اربابان قدرت</p> <p>- عدم بهره‌گیری از قرآن و سنت (توهم ابدال و اوتادی)</p>	
-	<p>در باب مناط صدق، هیچ‌گونه اختلاف‌نظری بین ایشان مشاهده نگردید.</p>	در مناط صدق معرفت
اتصال عقل مستفاد با عقل فعال	یکی شدن عقل مستفاد با عقل فعال	در غایت معرفت

جهت پیاده شدن بایدها و نبایدها به روش‌های عملی نیاز است که از آن‌ها به عنوان روش‌های تربیتی یاد شود (باقری، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷). روشها دستورالعمل بوده و به ما می‌گویند که برای رسیدن به مقصد مورد نظر، چه باید بکنیم، اما آنها به دستورالعمل‌های جزئی اشاره دارند. روش‌های تربیتی استخراج شده در این پژوهش با مفروض گرفتن اهداف، استنتاج گردیده و ناظر به دو مقدمه توصیفی و تجویزی (مبنا و هدف) بوده‌اند. در این بخش برای هر یک از اهداف به دست آمده در قسمت قبل، به تفکیک روش‌های تربیتی ارائه گردیده است. حال با ذکر این مقدمه به بررسی سؤالات هفتم و هشتم تحقیق می‌پردازیم:

سؤال هفتم: پیامدهای حاصل از نقاط اشتراک در قلمرو روش‌های تربیت عقلانی کدام است؟

جدول ۸- روش‌های تربیت عقلانی براساس نقاط اشتراک مبانی معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا

روش‌های تربیت عقلانی	هدف‌های تربیت عقلانی	مختصات معرفت‌شناختی
----------------------	----------------------	---------------------

-	-	در چیستی معرفت
روش بکارگیری مفاهیم انتزاعی بیشتر در جریان آموزش، روش چند حسی (مختلط)، روش بازی نقش یا ایفای نقش، روش تدریس کشف مفاهیم، روش تدریس فرایندی	عقل به منزلهٔ مُدرک علوم و تجریدکنندهٔ مفاهیم	در چیستی عقل
روش آموزش همگانی، روش حکمت‌آموزی	امکان کسب معرفت برای همگان	در امکان کسب معرفت
روش حل مسئله، روش استدلال، روش استقراء، روش قیاسی	الف) عقل به‌مثابهٔ منبع شناخت	در منابع معرفت
روش آشنایی نزدیک با پدیده‌های طبیعی و مشاهدهٔ پدیده‌ها به شکل مستقیم (روش مشاهده‌ای)، روش گردش علمی، روش کاوشگری	ب) طبیعت «آفریده‌های عالم» به‌مثابهٔ منبع شناخت	
روش تکیه بر شهود در فرآیند تدریس	ج) قلب «دل» به‌مثابهٔ منبع شناخت	
روش کاربرد حواس پنجگانه	الف) تقویت حواس ظاهری (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه)	در انواع معرفت
روش آموزش بین‌رشته‌ای، روش اکتشافی	ب) تقویت حواس باطنی (خیالی)	
روش آموزش هنر، روش تدریس مبتنی بر خلاقیت، روش تدریس مبتنی بر تفکر و تصمیم‌گیری تحلیلی	ج) عدم تکیهٔ صرف بر عالم عین و توجه به سایر علوم (شهودی و ذوقی)	

روش آموزش از طریق مراحل سه‌گانه (شهود- نیمه شهود- ذهنی)	الف) رعایت سلسله مراتب (از ساده به پیچیده و انتزاعی) در امر آموزش و ارائه معارف و علوم	در مراتب معرفت
روش تدریس مبتنی بر نظریه فراشناخت	ب) نیل به شناخت فرامفهومی (حقیقی) به‌مثابه هدفی از آموزش کلاسی	
روش تدریس سنتی (تدریس به وسیله معلم)	الف) نقش الگویی معلم	در روش‌های کسب معرفت
روش نمایش عملی	ب) ارتقای شأن و منزلت مربی نزد متربی	
روش خلوت‌گزینی، پرسش و پاسخ	ج) تأمل درونی و تفکر از اعماق وجود، راهی برای کسب برخی از علوم	
روش مراقبه و ذهن‌آگاهی، روش ثبت روزانه وقایع	د) خودشناسی و خودآگاهی	
روش بارش مغزی، روش بدیعه‌پردازی	الف) پرهیز از تقلید کورکورانه و تعصبات بی‌جا	در موانع معرفت
روش مقابله و جهاد با نفس، روش پندپذیری، روش قناعت و دوری از رفاه‌زدگی	ب) خودداری از تن دادن به تمایلات پست و حیوانی	
روش تزکیه	ج) خودسازی و تزکیه در جریان تحصیل	
روش واحد محور یا پروژه	الف) منطبق بودن علوم با واقعیات	در مناط صدق معرفت
روش آزمایشی (آزمایشگاهی)، روش کاوشگری علمی	ب) تعیین صحت فرضیات علمی به وسیله آزمایش	

در غایت معرفت	الف) رسیدن از معرفت عقلانی به معرفت و حیانی	روش برهان نظم (رسیدن به معرفت الهی از طریق دیدن نظم خلقت جهان)
	ب) عروج نفس به عالم عقل عملی	روش سیر و سلوک نظری و عملی

سوال هشتم: پیامدهای حاصل از نقاط افتراق در قلمرو روش‌های تربیت عقلانی کدام است؟

جدول ۹- روش‌های تربیت عقلانی براساس نقاط افتراق مبانی معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا

مختصات معرفت‌شناختی	هدف‌های تربیت عقلانی	روش‌های تربیت عقلانی
در چستی معرفت	الف) حصول ماهیت اشیاء و تحقق صور در اذهان	روش برانگیختن تصاویر ذهنی و توصیف آن با دادن تمرین‌های وابسته
	ب) ایجاد معلوم در ذهن	روش تجسم و تجسم خلاق
	ج) تقدم معارف حسی بر معارف عقلی	روش فعال کردن قوه تصور و تداعی
	د) ایجاد اتحاد عالم و وجود	روش حل مسئله و تفکر نقادانه
در چستی عقل	الف) آشنایی با سرگذشت و شرح حال پیشینیان	روش تفکر در تاریخ
	ب) استعلا عقلی به مدد آموزش علوم ضروری	روش یادآوری نعمت‌های الهی، روش نمایشی (نمادین)
	ج) بصیرت‌افزایی	روش دوران‌دیشی در امور، روش پیروی از عالمان اهل بصیرت
	د) استکمال عقلی به کمک معارف و آموزه‌های دینی	روش قصه‌گویی، روش الگویی (استفاده از مثال)
	ه) اتحاد نفس با صور عقلی	روش آموزش علوم حصولی (دانش‌های حصولی)
	و) رعایت سلسله مراتب و استدراج در ارائه معارف برای	روش آموزش برنامه‌ای

	رشد قوای عقلانی	
روش تسری بخشیدن فرهنگ اتحاد عالم و معلوم در عرصه‌های گوناگون زندگی فراگیران	ز) ایجاد اتحاد بین عالم و معلوم	
-	-	در امکان کسب معرفت
روش معرفی الگوهای برتر در زندگی، روش تربیت عملی	الف) استمداد از منابع شرع مقدس (قرآن، روایات و سنت)	در منابع معرفت
روش آموزش معیارها	ب) معیار قرار دادن منابع معارف دینی، جهت محک محتوای آموزش	
روش ذکر و مراقبه	ج) اهتمام در راستای معرفه النفس (خودشناسی) در روند آموزش	
روش تأدیب و تقویت قوای باطنی از طریق عبادت (عبادت حقیقی)	الف) تقویت نقش حواس باطنی (حس مشترک، خیال، متصرفه (متخیله)، واهمه و حافظه)	در انواع معرفت
	ب) ارتقاء بخشیدن به جایگاه دروسی مانند تاریخ و ادبیات در برنامه آموزشی	
	الف) رعایت مراتب شناخت در امر آموزش	در مراتب معرفت
روش ایجاد شک و طرح یک معمای ذهنی برای فراگیر	ب) اهمیت شک و تردید در نخستین گام‌های تدریس	
روش قیاس، روش استقراء	ج) آزمون گمان‌ها	

روش آموزش فعال	د) رعایت روند آموزش از محسوسات و اعیان به ادراکات عقلی و برهانی	
روش پرسش و پاسخ، روش مشارکتی و ایجاد جو دوستانه در آموزش	الف) اعتلای پیاپی توانایی و وسعت ذهنی در جریان آموزش	در روش‌های کسب معرفت
روش تعریف پروژه (واحد کار) برای فراگیران، روش بکارگیری سؤالات تحلیلی	ب) ارتقای قوه تفکر	
روش انجام حرکات ورزشی (ورزش‌های هوازی) قبل از شروع آموزش	الف) مد نظر داشتن آمادگی‌های جسمانی و روانی در روند آموزش	در موانع معرفت
روش نقل داستان‌های جذاب درباره عبادات، بویژه نماز، روش ارتباط کودکان با اماکن مذهبی، روش توجه دادن متری به نعمت‌های الهی	ب) عدم افراط و اجبار به انجام اعمال عبادی	
روش تهیه و تدوین فهرستی از مطالب پیش‌نیاز در آن رشته علمی، روش گزینش بهترین منابع برای تأمین پیش‌نیازهای مورد نیاز، روش نیازسنجی	ج) رعایت پیش‌نیازها و مقدمات در آموزش علوم گوناگون	
روش گنجاندن درس روانشناسی در برنامه درسی هفتگی دبیرستان در کلیه رشته‌ها، روش برگزاری همایش‌هایی با موضوع روانشناسی و ذهن	د) لحاظ کردن درس روانشناسی به عنوان درس مشترک در همه رشته‌ها	
روش تدریس «مسئله محور»	ه) تأکید پیاپی بر محتوای عقل‌گرایانه در فرآیند آموزش و برنامه‌ریزی درسی	

روش طاغوت‌گریزی	(و) عدم مخالطت و مجالست با حلقه‌های قدرت و فساد	
روش تهذیب و تزکیه نفس	(ز) دادن آگاهی به متریان از دام‌های مدعیان شیاد و دروغگو (الگوهای فاسد و فریبکار)	
-	-	در مناط صدق معرفت
روش استکمال نفس ناطقه (عقل مستفاد) از طریق تعلیم آن	اتصال عقل مستفاد با عقل فعال	در غایت معرفت

۵. نتیجه‌گیری

پس از مشخص شدن نقاط اشتراک و افتراق میان مبانی، مدل‌ولیات تربیت عقلانی در حوزه هدف‌ها و روش‌ها استنتاج گردید. هدف‌های تربیت عقلانی براساس نقاط اشتراک عبارتند از: عقل به منزله مدرک علوم و تجریدکننده مفاهیم، امکان کسب معرفت برای همگان، عقل به‌مثابه منبع شناخت، طبیعت «آفریده‌های عالم» به‌مثابه منبع شناخت، قلب «دل» به‌مثابه منبع شناخت، تقویت حواس ظاهری (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه)، تقویت حواس باطنی (خیالی)، عدم تکیه صرف بر عالم عین و توجه به سایر علوم (شهودی و ذوقی)، رعایت سلسله مراتب (از ساده به پیچیده و انتزاعی) در امر آموزش و ارائه معارف و علوم، نیل به شناخت فرامفهومی (حقیقی) به‌مثابه هدفی برای آموزش درسی، نقش الگویی معلم، ارتقای شأن و منزلت مربی نزد متربی، تأمل درونی و تفکر از اعماق وجود، راهی برای کسب برخی از علوم، خودشناسی و خودآگاهی، پرهیز از تقلید کورکورانه و تعصبات بیجا، خودداری از تن دادن به تمایلات پست و حیوانی، خودسازی و تزکیه در جریان تحصیل، منطبق بودن علوم با واقعیات، تعیین صحت فرضیات علمی به وسیله آزمایش، رسیدن از معرفت عقلانی به معرفت وحیانی و عروج نفس به عالم عقل.

هدف‌های تربیت عقلانی براساس نقاط افتراق عبارتند از: حصول ماهیت اشیاء و تحقق صور در اذهان، ایجاد معلوم در ذهن، تقدم معارف حسی بر معارف عقلی، ایجاد اتحاد عالم و وجود، آشنایی با سرگذشت و شرح حال پیشینیان، استعلا عقلی به مدد آموزش علوم ضروری، بصیرت‌افزایی، استکمال عقلی به کمک معارف و آموزه‌های دینی، اتحاد نفس با صور عقلی، رعایت سلسله مراتب و استدرج در ارائه معارف برای رشد قوای عقلانی، ایجاد اتحاد بین عالم و معلوم، استمداد از منابع شرع مقدس (قرآن،

روایات و سنت)، معیار قرار دادن منابع معارف دینی جهت محک محتوای آموزش، اهتمام در راستای معرفت‌النفس (خودشناسی) در روند آموزش، تقویت نقش حواس باطنی (معرفت وهمیه، ذاکره و مصوره) ارتقاء بخشیدن به جایگاه دروسی مانند تاریخ و ادبیات در برنامه آموزشی، رعایت مراتب شناخت در امر آموزش، اهمیت شک و تردید در نخستین گام‌های تدریس، آزمون گمان‌ها، رعایت روند آموزش از محسوسات و اعیان به ادراکات عقلی و برهانی، اعتلای پیاپی توانایی و وسعت ذهنی در جریان آموزش، ارتقای قوه تفکر، مدنظر داشتن آمادگی‌های جسمانی و روانی در روند آموزش، عدم افراط و اجبار به انجام اعمال عبادی، رعایت پیش‌نیازها و مقدمات در آموزش علوم گوناگون، لحاظ کردن درس روانشناسی به عنوان درس مشترک در همه رشته‌ها، تأکید پیوسته بر محتوای عقل‌گرایانه در فرآیند آموزش و برنامه‌ریزی درسی، عدم مخالفت و مجالست با حلقه‌های قدرت و فساد، دادن آگاهی به متریان از دام‌های مدعیان شیاد و دروغگو (الگوهای فاسد و فریبکار)، اتصال عقل مستفاد با عقل فعال.

پیامدهای حاصل از نقاط اشتراک در قلمرو روش‌های تربیت عقلانی به شرح زیر است: روش بکارگیری مفاهیم انتزاعی بیشتر در جریان آموزش، روش چند حسی (مختلط)، روش بازی نقش یا ایفای نقش، روش تدریس کشف مفاهیم روش تدریس فرایندی، روش آموزش همگانی، روش حکمت‌آموزی، روش حل مسئله، روش استدلال، روش استقراء، روش قیاس، روش آشنایی نزدیک با پدیده‌های طبیعی و مشاهده پدیده‌ها به شکل مستقیم (روش مشاهده‌ای)، روش گردش علمی، روش کاوشگری، روش تکیه بر شهود در فرآیند تدریس، روش کاربرد حواس پنجگانه، روش آموزش بین رشته‌ای، روش اکتشافی، روش آموزش هنر، روش تدریس مبتنی بر خلاقیت، روش تدریس مبتنی بر تفکر و تصمیم‌گیری تحلیلی، روش آموزش از طریق مراحل سه‌گانه (شهود- نیمه شهود- ذهنی)، روش تدریس مبتنی بر نظریه فراشناخت، روش تدریس سنتی (تدریس به وسیله معلم)، روش نمایش عملی، روش خلوت‌گزینی، روش پرسش و پاسخ، روش مراقبه و ذهن‌آگاهی، روش ثبت روزانه وقایع، روش بارش مغزی، روش بدیعه‌پردازی، روش مقابله و جهاد با نفس، روش پندپذیری، روش قناعت و دوری از رفاه‌زدگی، روش ترکیه، روش واحد محور یا پروژه، روش آزمایشی (آزمایشگاهی)، روش کاوشگری علمی، روش برهان نظم (رسیدن به معرفت الهی از طریق دیدن نظم خلقت جهان) و روش سیر و سلوک نظری و عملی.

پیامدهای حاصل از نقاط افتراق در قلمرو روش‌های تربیت عقلانی مشتمل بر:

روش برانگیختن تصاویر ذهنی و توصیف آن با دادن تمارین مربوطه، روش تجسم و تجسم خلاق، روش فعال کردن قوه تصور و تداعی، روش حل مسئله و تفکر نقادانه، روش تفکر در تاریخ، روش یادآوری

نعمت‌های الهی، روش نمایشی (نمادین)، روش دوران‌دیشی در امور، روش پیروی از عالمان اهل بصیرت، روش قصه‌گویی، روش الگویی (استفاده از مثال)، روش آموزش علوم حصولی (دانش‌های حصولی)، روش آموزش برنامه‌ای، روش تسری بخشیدن فرهنگ اتحاد عالم و معلوم در عرصه‌های گوناگون زندگی فراگیران، روش معرفی الگوهای برتر در زندگی، روش تربیت عملی، روش آموزش معیارها، روش ذکر و مراقبه، روش تأدیب و تقویت قوای باطنی از طریق عبادت (عبادت حقیقی)، روش تفکر در تاریخ، روش ایجاد شک و طرح یک معمای ذهنی برای فراگیر، روش قیاس، روش استقراء، روش آموزش فعال، روش پرسش و پاسخ، روش مشارکتی و ایجاد جو دوستانه در آموزش، روش تعریف پروژه (واحد کار) برای فراگیران، روش بکارگیری سؤالات تحلیلی، روش انجام حرکات ورزشی (ورزش‌های هوازی) قبل از شروع آموزش، روش نقل داستان‌های جذاب درباره عبادات بویژه نماز، روش ارتباط کودکان با اماکن مذهبی، روش توجه دادن متری به نعمت‌های الهی، روش تهیه و تدوین فهرستی از مطالب پیش‌نیاز در آن رشته علمی، روش گزینش بهترین منابع برای تأمین پیش‌نیازهای مورد نیاز، روش نیازسنجی، روش گنجاندن درس روانشناسی در برنامه درسی هفتگی دبیرستان در کلیه رشته‌ها، روش برگزاری همایش‌هایی با موضوع روانشناسی و ذهن، روش تدریس «مسئله‌محور»، روش طاغوت‌گریزی، روش تهذیب و تزکیه نفس و روش استکمال نفس ناطقه (عقل مستفاد) از طریق تعلیم آن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

— منابع —

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۰). منطق و معرفت در نظر غزالی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲. اصلانی، یاسر (۱۳۹۱). تبیین الگوی تربیت عقلانی بر مبنای اندیشه امام خمینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۳. آقازاده، احمد (۱۳۷۷). تاریخ تحول دانش آموزش و پرورش تطبیقی و بین‌الملل. تهران: انتشارات افراسیاب.
۴. باقری، خسرو (۱۳۸۷). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران. تهران: علمی و فرهنگی.
۵. بختیار نصرآبادی، حسن علی؛ نوروزی، رضاعلی؛ رحمان پور، محمد (۱۳۸۶). درآمدی بر تعلیم و تربیت و مبانی آن از دیدگاه غزالی. تربیت اسلامی، سال ۲، شماره ۴.
۶. بهارنژاد، زکریا (۱۳۸۵). مقایسه شک امام محمد غزالی و رنه دکارت. آینه معرفت، شماره ۳-۴.
۷. بهشتی، سعید (۱۳۷۹). روش‌های تربیت عقلانی در سخنان امام علی علیه السلام. در: مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی علیه السلام. نشر تربیت اسلامی.
۸. بهشتی، سعید (۱۳۹۶). نظریه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای حکمت متعالیه (نظریه حکمت متعالیه تعلیم و تربیت)؛ مفهوم‌شناسی و روش‌شناسی. قیسات، سال ۲۲، شماره ۸۳، ص ۳۷-۷۱.
۹. ترکاشوند، فاطمه؛ توازانی، زهره (۱۳۹۳). مقایسه دیدگاه بیکن و ملاصدرا در مورد موانع شناخت. حکمت صدرایی، سال ۳، شماره ۱، ص ۳۹-۵۳.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). ریحی مختوم، شرح حکمت متعالیه. قم: انتشارات اسراء، ج ۴.
۱۱. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
۱۲. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۱). انسان و قرآن. قم: انتشارات قیام.
۱۳. حقیقت، لاله؛ صادقیان، فاطمه (۱۳۹۰). ارتباط وجودشناسی از منظر صدرالمآلهین. اندیشه دینی، شماره ۳۸، ص ۱۷۵-۱۹۸.
۱۴. خسروپناه، عبدالحسین؛ مومنی، حسام‌الدین (۱۳۹۸). بررسی و نقد منابع معرفت از نظر صدرا و دکارت. آیین حکمت، سال یازدهم، شماره ۴۱، ص ۷-۲۶.
۱۵. خندق‌آبادی، حسین؛ اسلامی اردکانی، سید حسن (۱۳۹۶). بررسی دیدگاه ابوحامد غزالی درباره درونی بودن موانع عملی تحقق فعل اخلاقی. پژوهش‌های فلسفی کلامی، سال نوزدهم، شماره ۷۴، ص ۱۰۵-۱۲۹.
۱۶. رشیدی، شیرین؛ بهشتی، سعید؛ کشاورز، سوسن؛ صالحی، اکبر (۱۳۹۶الف). ارائه الگوی نظری تربیت عقلانی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی براساس مبانی معرفت‌شناختی قرآن کریم. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲، شماره ۲، ص ۷-۳۶.
۱۷. رشیدی، شیرین؛ بهشتی، سعید؛ کشاورز، سوسن؛ صالحی، اکبر (۱۳۹۶ب). تحلیل تطبیقی بنیان‌های معرفت‌شناختی براساس دیدگاه‌های استاد مطهری و استاد جوادی آملی. عقل و دین، سال ۹، شماره ۱۶.
۱۸. رفیعی، بهروز (۱۳۸۱). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: انتشارات سمت، ج ۳.
۱۹. سخنور، محمد داود (۱۳۸۹). نقش عقل در معرفت دینی از دیدگاه محمد غزالی و کی یرکگور. قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۲۰. شمس‌الدینی، مصطفی (۱۳۹۰). مبانی معرفت‌شناسی از دیدگاه امام محمد غزالی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم انسانی.
۲۱. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۳۷۱). عرفان و عارف نمایان (کسر اصنام الجاهلیه). ترجمه محسن

- بیدارفر. تهران: نشر الزهراء(س).
۲۲. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳). ترجمه و تفسیر الشواهد الربوبیه. ترجمه جواد مصلح. تهران: انتشارات سروش.
۲۳. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱م). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. بیروت: دارالاحیاء التراث، ج ۱.
۲۴. عشوری، مریم (۱۳۹۱). بررسی تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
۲۵. علیزاده، عبدالرضا و همکاران (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی معرفت، جستاری در تبیین رابطه «ساخت و کنش اجتماعی» و «معرفت‌های بشری». قم: نشر موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
۲۶. غزالی، ابوحامد امام محمد (۱۳۶۱). کیمیای سعادت. تصحیح حسین خدیو جم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
۲۷. غزالی، ابوحامد محمد (۱۴۰۶ق). احیاء علوم الدین. تصحیح عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی. بیروت: دارالکتب العربی، ج ۳.
۲۸. غزالی، ابوحامد محمد (۱۴۱۶ق/الف). مجموعه رسائل الامام غزالی، المنقذ من الضلال. بیروت: دارالفکر.
۲۹. غزالی، ابوحامد محمد (۱۴۱۶ق/ب). مجموعه رسائل الامام غزالی، میزان العمل. بیروت: دارالفکر.
۳۰. غزالی، ابوحامد محمد (۱۴۱۶ق/پ). مجموعه رسائل الامام غزالی، مقاصد الفلاسفه. بیروت: دارالفکر.
۳۱. غزالی، ابوحامد محمد (۱۴۱۶ق/ر). مجموعه رسائل الامام غزالی، روضه الطالبین. بیروت: دارالفکر.
۳۲. غزالی، ابوحامد محمد (۱۴۱۶ق/ز). مجموعه رسائل الامام غزالی، مشکوه الانوار. بیروت: دارالفکر.
۳۳. غزالی، ابوحامد محمد (۱۴۱۶ق/ت). مجموعه رسائل الامام غزالی، معارج القدس. بیروت: دارالفکر.
۳۴. غزالی، ابوحامد محمد (۱۴۱۶ق/ث). مجموعه رسائل الامام غزالی، معیار العلم. بیروت: دارالفکر.
۳۵. غفاری قره باغ، احمد (۱۳۹۴). تبیین ادراک عقلی از دیدگاه حکمت متعالیه. آیین حکمت، شماره ۲۵، ص ۸۹-۱۱۰.
۳۶. فاخوری، حنا؛ خلیل، جر (۱۳۸۱). تاریخ فلسفه در جهان اسلام. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۷. کاردان، علی محمد (۱۳۸۸). سیر آراء تربیتی در غرب. تهران: انتشارات سمت.
۳۸. گوتک، جerald ال (۱۳۸۰). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. ترجمه محمدجعفر پاک سرشت. تهران: انتشارات سمت.
۳۹. محمودی بیات، ملیحه؛ شاکری زواردهی، روح‌الله (۱۳۹۳). ترابط عقل و ایمان از دیدگاه غزالی و ملاصدرا. فلسفه دین، شماره ۴، ص ۶۹۱-۷۱۴.
۴۰. مرزوقی، رحمت‌الله؛ صفری، یحیی (۱۳۸۶). مبانی و روش‌های تربیت عقلانی از منظر متون اسلامی. تربیت اسلامی، سال ۳، شماره ۵.
۴۱. معلمی، حسن (۱۳۷۷). معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۲. ملکی، حسن (۱۳۷۹). تربیت عقلانی در نهج‌البلاغه و دلالت‌های آموزشی آن. تهران: مرکز مطالعات تربیت اسلامی.
۴۳. ملکی، حسن؛ پورمحمودی، عارف (۱۳۹۴). تربیت عقلانی از منظر علامه جعفری و پیامدهای تربیتی آن. پژوهش

در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۳، شماره ۲۹.

۴۴. میرباقری، مرتضی؛ صفری کندسری، رضا (۱۳۸۷). ارزش شناخت در فلسفه ملاصدرا. ذهن، شماره ۳۴-۳۵.
۴۵. وفاپیان، محمدحسین (۱۳۹۵). تبیین معرفت‌تشکیک بر پایه وجودانگاری معرفت در حکمت متعالیه. اندیشه دینی، شماره ۲، ص ۱۲۹-۱۴۴.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/riet.2021.8094.1011

علائی، محمد؛ بهشتی، سعید؛ سلحشوری، احمد (۱۴۰۰). بررسی مبانی معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا و دلالت‌های آن بر تربیت عقلانی. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، (۲)۱، ص ۱۱۳ - ۱۵۰.

